

نظام اشیا

ژان بودریار

ترجمه پیروز ایزدی



فهرست

۹	بادداشت مرحم
۱۱	مقدمه
۱۹	بخش اول نظام کارکردی یا گفتمان عسی
۲۱	۱ ساحارهای چیدمان
۲۱	محط سسی
۲۳	شی مدرن آزاد در کارکرد
۲۵	مدل معماری داخلی
۲۵	عناصر .
۲۷	دیوار و روشنایی
۲۸	بوردهی
۲۸	آنه‌ها و پرتره‌ها
۳	ساعت و زمان
۳۱	نه سوی جامعه‌شناسی چیدمان
۳۲	اسان چیدمانی
۳۷	۲ ساحارهای محطی
۳۷	ارزش‌های محطی رنگ
۳۷	رنگ سسی
۳۸	رنگ «طبعی»
۴۱	رنگ «کارکردی»
۴۳	گرم و سرد
۴۴	ارزش‌های محطی مصالح
۴۴	چوب طبعی، چوب فرهنگی
۴۶	منطق محطی
۴۸	نمونه‌ای عالی از مصالح شش‌ه

۱۶	اشنا و عادات ساعت مچی	۵	اسان رابطه‌ای و محطی
۱۷	شی و رمان چرخه سه	۵۱	نشمگاه‌ها
۱۱	حسن شی حساد	۵۳	فرهنگت و سانسور
۱۱۲	شی. ساحارردایی شده انحراف	۵۵	ارزش‌های محطی ژست‌ها و فرم‌ها
۱۱۶	از انگره برای سری‌سازی نا انگره واقعی	۵۵	مگور سسی تلاش
۱۱۸	گسمانی برای خود	۵۶	مگور کارکردی کنترل
۱۲۱	بحش سوم نظام فراکارکردی و سوء کارکردی گج‌ها و ربات‌ها	۵۷	نک حوره حدید عملیاتی
۱۲۳	دلالت نکسکی ابومانسم	۵۹	مسابوربره کردن
۱۲۴	استعلای «کارکردی»	۶	سک‌پرداری-حوش دسی-پوشش
۱۲۷	انحراف کارکردی گج	۶۲	پانان نمود نمادین
۱۲۸	شه کارکرد ماسماک	۶۳	استراع قدر
۱۳۳	فراکارکرد ربات	۶۵	اسطوره کارکردگرا
۱۳۸	دگرگویی‌های نکسکی	۶۶	فرم کارکردی هندک
۱۴۲	نکسک و نظام ناحودآگاه	۶۷	دلالت‌های صمی شکلی گلنگر ابومیل
۱۴۹	بحش چهارم نظام اجماعی — اندنولوژیک اشنا و مصرف	۶۹	بهانه‌ای در فالت فرم
۱۵۱	فصل اول مدل‌ها و سری‌ها .	۷۳	۳ نسخه‌گیری خصوصیات طبعی و کارکردی
۱۵۱	شی مافیل صععی و مدل صععی	۷۵	صمیمه جهان لوآرم خانه و ابومیل
۱۵۴	شی «شخصی شده»	۸۳	فصل اول شی حاشه‌ای- شی قدیمی
۱۵۵	انحاح	۸۳	ارزش محطی ناربح‌مندی
۱۵۶	نفاوت حاشه‌ای	۸۴	ارزش نمادین اسطوره مشأ
۱۵۷	آرمانی بودن مدل	۸۶	اصالب
۱۵۹	ار مدل به سری	۸۷	سدرم بوفرهنگی نارسازی
۱۵۹	کسری نکسکی	۹	همرمانی، در رمانی و بی‌رمانی
۱۶۱	کسری «سک»	۹۲	فراکمی وارونه شی نکسکی برد اسان‌های ندوی
۱۶۳	نفاوت طقمانی	۹۳	نارار اشناي قدیمی
۱۶۵	مریب امروری بودن	۹۵	بوامپریالسم فرهنگی
۱۶۷	پیشامدی ناگوار برای شخص	۹۷	فصل دوم نظام حاشه‌ای مجموعه‌سازی (کلکسور)
۱۶۸	اندنولوژی مدل‌ها	۹۸	شی حداشده ار کارکرد خود
۱۷۱	فصل دوم اعشار	۹۹	شی هوس‌انگیز
۱۷۱	حقوق و نکالف شهروند مصرف‌کننده	۱۱	ربانرین حیوانات خانگی
۱۷۳	نقدم مصرف احلاقی حدید	۱۲	ناری سلسله‌وار
۱۷۵	احنار حرید	۱۳	ار کمبت به کفتب شی محصربه‌فرد

۱۷۶	معمره حرید
۱۷۷	ابهام شی خانگی
۱۷۹	۳ نلمعاب
۱۷۹	گصمان اشنا و گصمان—شر
۱۸	وحوه امری و حبری نلمعاب
۱۸۱	مطلق نانا بوبل
۱۸۳.	مرحع حمامگر صدلی راحی اربورن
۱۸۷	حشوواره فدرت حرید
۱۹	ارصا و سرکوب مرجعی دوگانه
۱۹۴	پیش‌فرض حمعی
۱۹۴	بودر لاسشویی پاکس
۱۹۶	مسافه نلمعانی
۱۹۷	گاراپ
۱۹۸	بوعی اسان‌گرایی حدید
۱۹۸	شرطی‌شدن سلسله‌وار
۲	آرادی احاری
۲ ۳	بوعی ریان حدید؟
۲ ۳	ساحار و نمطع برید
۲ ۹	رمرگان جهان‌شمول پانگاه اجتماعی
۲۱۳	سجه‌گیری نه سوی تعریف «مصرف»

مقدمه

آیا می‌توان طیف گسترده‌اشیا را مانند گیاهان به گونه‌های استوایی و قطبی یا جانوران به گونه‌های دستخوش جهش ناگهانی یا در شرف نابودی طبقه‌بندی کرد؟ تمدن شهری با آهنگی شتابان شاهد ظهور سلهای پی در پی محصولات، وسایل و گجت‌ها^۱ (ابزارآلات) است که انسان در مقایسه با آن‌ها گونه‌ پابنداری به نظر می‌رسد خوب که فکر کنیم، این فراوانی عجیب‌تر از کثرت گونه‌های طبیعی بیست این گونه‌ها توسط انسان شمارش شدند و هنگامی که اسان شروع به شمارش نظام‌مند آن‌ها کرد، توانست در دایرةالمعارف جدول کاملی از اشیای کاربردی و تکنیکی دور و بر خود ارائه دهد از آن زمان تاکنون، تعادل برهم خورده است اشیای رورمره — ما از ماشین‌ها صحبت نمی‌کنیم — تکثیر شده‌اند، نیازها افزایش یافته‌اند، تولید، تولد و مرگ اشیا را شتاب بخشیده است و [در نتیجه] واژگان از نامیدن آن‌ها عاجز مانده است آیا می‌توان امیدي به طبقه‌بندی اشیایی داشت که به محض مشاهده تغییر می‌کنند، و آیا دستیابی به نظامی برای توصیف آن‌ها امکان‌پذیر است؟ تقریباً به اندازه خود اشیا معیارهای طبقه‌بندی اشیا وجود دارد بر مبنای اندازه، درجه کاربردی بودن (رابطه اشیا با کارکرد عیاشان)، ملاحظات مربوط به آن‌ها، این که آیا مورد استفاده ثروتمندان قرار دارند یا فقرا، سستی‌اند یا غیرسستی، شکل، طول عمر، مقاطعی از رور که اشیا در آن ظاهر می‌شوند (حضور کمابیش متناوب و آگاهی نسبت به وجود آن‌ها)، ماده‌ای که شیء در آن

۱ gadgets ، گجت‌ها، ابزارآلاتی کوچکند که کارکرد خاصی دارند اما اغلب اوقات ویرگستان دربوآوری

ساختارهای چیدمان

محیط سستی

ترکیب‌بندی اتاقیه بصوری وفادارانه از ساحارهای حیواندگی و اجتماعی یک دوره ارائه می‌دهد معماری داخلی بورژوازی نظمی پدرسالارانه دارد اتاق باهارحوری و اتاق خواب مجموعه‌ای را تشکیل می‌دهند اتاقیه هر کدام کارکرد خاص خود را دارند، اما کلیت یکپارچه‌ای را تشکیل می‌دهند، نه گونه‌ای که همگی دور بوفه یا تحت‌حوائی که در وسط است حای می‌گیرند گرایش به انباشت و اشغال فضا در آن وجود دارد آنچه به چشم می‌آید کارکرد بگانه و عدم قابلیت حاجایی، حضور مؤثر و آداب سلسله‌مراتبی است هر قطعه هدف مشخصی دارد که با کارکردهای مختلف واحد خانواده مرتبط است و در مراتب بعدی، به برداشتی از فرد به عنوان مجموعه متعادلی از خصوصیات متمایز برمی‌گردد اتاقیه به یکدیگر می‌نگرند، مراجع یکدیگرند، و در واحدی حای می‌گیرند که بیش از آن که حاصل مکانی داشته باشد، نظمی اخلاقی دارد اتاقیه حول محوری سامان می‌یابند که صام ترتیب زمانی منظم رفتارهاست یعنی حضور نمادین حیوانده در این فضای خصوصی، هر یک از اتاقیه و هر قطعه از آنها کارکرد خود را درونی می‌سازند و نه آن مرتبتهای نمادین می‌بختند — خانه در قالب گروه بیمه سسته حیوانده کار

همگرایی روابط فردی را انجام می‌دهد

همة آنها از گانیسمی می‌سازند که ساختار آن رابطه پدرسالارانه است و اقدار است و قلب آن رابطه عاطفی پیچیده‌ای است که اعصاب را به هم پیوند می‌دهد این کانون فضای خاصی را شکل می‌دهد که چندان به نظم و ترتیب عیسی توحه نشان نمی‌دهد، برابری بحسب کارکرد اتاتیه و اشیا شخصیت بخشیدن به روابط انسانی، استعمال فضای مشترک و برحورداری از روح است^۱ بُعد واقعی که اشیا در آن زندگی می‌کنند، اسیر بُعد اخلاقی است که اشیا باید بر آن دلالت کند اشیا همچنین در این فضا در مقایسه با اعضای خانواده در جامعه از استقلال کم‌تری برخوردارند و انگهی، افراد و اشیا با هم پیوند دارند اشیا در این همدستی، ارزشی عاطفی پیدا می‌کنند که می‌بوان آن را «حضور» نامید آنچه باعث می‌شود حاشه دوران کودکی به صورتی ریشه‌دار و عمیق در خاطره‌ها باقی بماند، آشکارا ساختار پیچیده معماری داخلی حاشه است که در آن اتنا حدود و تعور ترکیبی نمادین را در حلوی چشمان ما ترسیم می‌کند که مرل نامیده می‌شود گسست بین بیرون و درون، تقابل صوری آنها دلیل نشانه اجتماعی مالکیت و نشانه روانی درون ماندگاری خانواده، این فضای سنی را به نوعی استعلای (وجود متعالی) محدود تبدیل می‌کند این اشیا که در حکم حدایان انسان‌انگازانه‌ای هستند که در روم باستان حامی خانواده بودند، با تحسب بخشیدن به پیوندهای عاطفی و پایداری گروه در این فضا خود را تا حدودی فناپذیر می‌سازند تا آن هنگام که سل جدید آنها را کنار بهد یا منفرق سازد یا گاه در حسرت اشیا قدیمی احیایشان کند اتاتیه بپر اغلب مانند حدایان، گاه از فرصت داشتن وجودی ثانوی برخوردار می‌شوند، یعنی گذار از کاربردی ساده به اصالتی فرهنگی

نظم حاکم بر اتاق ناهارخوری و اتاق خواب، ساختاری منقول، در پیوند با ساختار غیرمنقول حاشه و همان ساختاری است که موضوع تبلیغات به منظور اقناع جماعت وسیعی از مردم قرار می‌گیرد لویتان^۲ و گالری باربس^۳ هخارهای

۱ از سوی دیگر، آنها می‌توانند از سلبه و سبک خاصی برخوردار باشند یا نباشند.

۲ Lévitán، فروشگاه مللمان معروفی در پاریس (مترجم)

۳ Galeries Barbès، نام یک مجموعه فروشگاه‌ها و کارگاه‌های بولندی مللمان در فرانسه (مترجم)

مجموعه‌های «دکوراسیو» را در معرض دائقه عموم قرار می‌دهند، حتا اگر شکل و قواره آنها «سبک» خاصی داشته باشد و حتا اگر دیگر دلستگی چیدمانی به این دکورها وجود نداشته باشد اگر این اتاتیه‌ها فروخته می‌شوند، نه خاطر آن بست که ارزان‌ترند، بلکه به این دلیل است که تصمیم رسمی گروه و تأیید بورژوازی را با خود دارند از همین رو این اتاتیه‌ها یا پادمان‌ها (بوفه، تحت‌خواب و گمحه) و چیدمان متقابل آنها صامس ماندگاری ساختارهای خانوادگی سنتی در افشار بسیار وسیعی از جامعه مدرن هستند

شی. مدرن آزاد در کارکرد

همان‌گونه که روابط فرد با خانواده و جامعه تعبیر می‌کند، سبک اشیا منقول بر دستخوش تعبیر می‌شود میر و بیمکت‌ها و تحت‌خواب‌هایی که در گوشه اتاق قرار می‌گیرند، میرهای کوناه، قفسه‌ها، اینک حایگرین فهرست قدیمی اسباب و اتاتیه شده‌اند نحوه ساماندهی بر تعبیر کرده است تحت‌خواب در کاناپه‌های تحت‌خواب‌شو محمی شده است، بوفه و گمحه بر به صورت کمد تاشو درآمده‌اند چیرها تا و بار می‌شوند و از حلوی چشم ناپدید می‌شوند تا در موقع مقتضی وارد صحنه شوند البته این نوآوری‌ها ندیبه‌پردازی‌های آزاد نیستند اکثر اوقات، این ممتها در حه تحرک، قابلیت جانبایی و تناسب فقط نتیجه انطاق احاری با کمود فضاست کمود پدر اختراع است اگر اتاق ناهارخوری قدیمی حامل بار سگین قراردادهای اخلاقی بود، معماری داخلی «مدرن» با تمام بردستی‌های به کار رفته در آن اغلب معلول مقنصیات کارکردی است «فقدان سبک» در درجه حسرت نتیجه فقدان فضاست و کارکردی بودن حداکتری راه‌حلی از سرانجامی است که به موجب آن حاشه تحسی، بدون از دست دادن حصارش، سارمان داخلی خود را از دست می‌دهد ساختارردایی بدون کاربری مجدد فضا و حضور اشیا چیری حر نشانه فقر نیست

ندین ترتیب، مجموعه مدرن سری‌ها آشکار می‌شود که ساختارردایی شده اما بازسازی نشده است — هیچ‌چیز در این‌جا قدرت بیان نظم نمادین کهن را حبران نمی‌کند با این‌حال، پیشرفتی صورت گرفته است بین فرد و این اشیا به لحاظ کاربردی منعطف‌تر، که دیگر به محدودیت اخلاقی را اعمال می‌کند و به نماد چنین محدودیتی می‌باشد، رابطه لیبرال‌تری برقرار شده است فرد دیگر از طریق